تحقق وعده به پدر و مادر در نسل آنان

عن أبي بصير عن أبي عبد الله(عليه‌السلام) قال: إن قلنا لكم في الرجل منّا قولاً فلم يكن فيه، كان في ولده أو ولد ولده؛ فلا تنكروا ذلك. إنّ الله (تعالي) أوحي إلي عمران أنّي واهب لك ذكراً مباركاً يبري‏ء الأكمه و الأبرص و يحيي الموتي بإذني و جاعله رسولاً إلي بني اسرائيل؛ فحدث بذلك امرأته حنّة و هي اُمّ مريم. فلمّاحملت بها كان حملها عند نفسها غلاماً؛ فلمّا وضعتها اُنثي قالت ربّ إنّي وضعتها اُنثي و ليس الذكر كالاُنثي؛ لأنّ البنت لا تكون رسولاً يقول الله (عزّوجلّ):(واللهُ أعلَمُ بِما وَضَعَت). فلمّا وهب الله تعالي لمريم عيسي كان هو الّذي بشّر الله به عمران و وعده إيّاه؛ فإذا قلنا لكم في الرجل منّا شيئاً فكان في ولده أو ولد ولده، فلا تنكروا ذلك.[[1]](#footnote-1)

اشاره: بر پايه اين روايت، همسر عمران براساس سخنان همسرش منتظر فرزند پسر بود، از اين‏رو با تولد مريم گفت: خدايا! من دختر به دنيا آورده‏ام و مرد مانند زن نيست و تو وعده پسر داده بودي؛ امّا در حقيقت خداوند به همسر عمران پسر داد؛ ولي با واسطه.

امام صادق(عليه‌السلام) نتيجه مي‏گيرند كه اگر ما درباره خودمان چيزي گفتيم عملي نشد، در فرزند ما يا فرزندِ فرزند ما عملي خواهد شد، پس آن را انكار نكنيد.

همچنين از اين حديث شريف به دست مي‏آيد كه جمله (ولَيسَ الذَّكَرُ كالانثي) سخن مادر حضرت مريم(عليهاالسلام) است، زيرا امام صادق(عليه‌السلام) در توضيح آن مي‏فرمايد:لأنّ البنت لاتكون رسولاً يقول الله (عزّ وجلّ):(واللهُ أعلَمُ بِما وَضَعَت).[2]

وقتي مفسّر از مكتب امام صادق(عليه‌السلام) مي‏آموزد كه همسر عمران از مادر شدن مريم(عليهاالسلام) آگاه بوده است، در نگاهي دوباره، خود اين مطلب را از قرآن مي‏فهمد، زيرا قرآن كريم در آيات پيش‏تر، آل عمران را مصطفاي الهي معرّفي كرد و صفوةالله به گزاف سخن نخواهد گفت، بنابراين از جمله (اُعيذُها بِكَ وذُرِّيَّتَها مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيم) معلوم مي‏شود كه مي‏دانسته است كه دختر او صاحب فرزند خواهد شد و فرزندش نيز زنده مي‏ماند، از اين‏رو مريم و فرزندش(عليهماالسلام) را به خدا مي‏سپارد.

آري همسر عمران شنيده بود كه فرزندي پسر به دنيا خواهد آمد؛ امّا با واسطه بودن آن را نمي‏دانست؛ و آگاه نبود كه هرچند پسري بي‏واسطه حتي حضرت عيسي بن مريم(عليهماالسلام) هم هرگز با دختري كه آورد برابري نمي‏كرد، زيرا همان‏طور كه قبلاً بنابر فرض سخن خدا بودن جمله (لَيسَ الذَّكَرُ كالأُنثي) بيان شد، اگر همسر عمران فرزند پسر مانند حضرت مسيح به دنيا مي‏آورد، هرگز معجزه جهاني دختري چون مريم كه بي‏همسر مادر شود حاصل نمي‏شد، چون عيسي بن مريم(عليهماالسلام) خرق عادت بوده و مي‏تواند همراه با مادرش معجزه جهاني باشد و افكار عالميان را متحوّل كند: (وجَعَلناها وابنَها آيَةً لِلعالَمين).[[2]](#footnote-2)

غرض آنكه اگر كسي نخست پيام آيات قرآني را از سخنگوي قرآن يعني امام معصوم(عليه‌السلام) بشنود و آن‏گاه به محضر قرآن مشرف شود، پيام قرآن را بهتر در خواهد يافت.

كسي كه روايات را كنار آيات قرآني مي‏گذارد و اين دو را كه يكي هستند و هرگز جدا نمي‏شوند با هم ملاحظه مي‏كند، از سطح ظاهري قرآن جلوتر مي‏رود و فهم او از قرآن صحيح خواهد بود و مي‏فهمد كه ائمّه(عليهم‌السلام) اين معاني را چگونه از قرآن استنباط كرده‏اند. البته هر جا روايت خاص نباشد، بايد از خطوط كلّي احاديث استمداد كرد.[[3]](#footnote-3)

1. . تفسير القمي، ج1، ص101؛ ر.ك: الكافي، ج1، ص535. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره انبياء، آيه 91. [↑](#footnote-ref-2)
3. . تسنيم، جلد 14 - صفحه 146 [↑](#footnote-ref-3)